

نقش آموزش زنان در توسعه پایدار انسانی

دکترایران غازی
استاددانشگاه اصفهان
رضامختاری ملک آبادی
دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری

چکیده

پایدار مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین در این مقاله سعی شده است تا ضمن اشاره به نقش مؤثر آموزش زنان در توسعه پایدار انسانی و شناسایی موانع و محدودیتهای حضور مؤثر زنان در جنبه‌های مختلف توسعه انسانی، راهکارها و پیشنهادهایی جهت ارتقای وضعیت زنان جامعه ارائه گردد.

امروزه کیفیت زندگی بشر دچار ناپایداری است، به همین دلیل لازم است به ارزیابی کیفی محیط زندگی انسانها پرداخته و عوامل ناپایداری را شناسایی کنیم. این کار نیازمند شناخت متغیرهای مؤثر بر محیط، دستیابی به روشی برای ارزیابی و داشتن معیاری برای فرآیندی و کنترل پاسخهایی است که جامعه در ترمیم ناپایداری‌ها اعمال می‌دارد.

واژه‌های کلید

توسعه پایدار انسانی (human sustainable development)، زنان (Women)، آموزش زنان (Women education)

توسعه انسانی پایدار (تعاریف و کلیات)

توسعه پایدار فرآیندی است که طی آن انسانها نیاز خود را برمی‌آورند و سطح زندگی خود را ارتقاء می‌بخشند، بدون آنکه از منابعی که به نسلهای آینده تعلق دارد مصرف کنند. بنابراین توسعه زمانی پایدار است که مخرب نباشد و منابع طبیعی پایه به گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که نسلهای آینده بتوانند به اندازه نسل کنونی تولید و مصرف کنند. علت اساسی توجه به توسعه پایدار از یک طرف محدود بودن امکانات و از سوی دیگر، نامحدود بودن نیازها و خواستههای بشری است. برآیند این شرایط بر تعداد چشمهای نگران فردای جهان هر لحظه می‌افزاید پس برای کم شدن نگرانی‌ها، انسانها باید نسبت به تدوین سیاستهای زیربنایی و اصولی اقدام کنند و بجای تأمین منافع آتی و زودگذر، به منافع نسلهای آینده و بقای نوع بشر بیندیشند.

- ۱- یکپارچگی اقتصادی - محیطی؛ تصمیمات اقتصادی باید با توجه به نتایجی که بر محیط زیست می‌گذارد اتخاذ شود.
- ۲- تعهد بین نسلها؛ تصمیمات در زمان فعلی باید با توجه به اثراتی که بر

شاخصهای زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان ابزاری اساسی برای پیگیری و تعریف عملیات و استراتژی‌هایی که به یک توسعه پایدار و تجزیه و تحلیل و سود و هزینه ناشی از توسعه منجر می‌گردد، ظهور کرده اند که با توجه به این شاخصها مانند "سواد، درآمد، فقر زدایی، بهداشت، سلامت، بهره‌مندی از آب و هوای سالم، اوقات فراغت، مشارکتهای زنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی و..." می‌توان پایداری و ناپایداری جامعه را ارزیابی کرد و قدر مسلم برای رسیدن به پایداری، کلیه شاخصهای پایداری باید همراه و همگام با هم مورد توجه قرار گیرد.

در جریان توسعه نباید عده‌ای از نظر اقتصادی رشد کرده و گروهی بواسطه آن در فقر بمانند. همچنین از نظر اجتماعی و سیاسی، نقش همبستگی، هماهنگی در عمل و مشارکت بین بخشها و افراد (زنان) را ایفا کند و موجب تخریب اکوسیستم نشود و از نظر تکنولوژی نیز بهره‌وری را افزایش دهد.

تازمانی که به زنان کشورهای مختلف به عنوان نیمی از نیروهای انسانی در روند توسعه توجه کافی نشود تحقق توسعه پایدار آرزویی محال به نظر می‌رسد. با آموزش و بالا بردن سطح سواد زنان و افزایش مشارکتهای آنان در مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی و... می‌توان رشد و توسعه انسانی را بالا برد.

برای اینکه زنان بتوانند در شأن و مقام و منزلت خودشان ظاهر شوند، این امر در درجه اول نیازمند تغییرات اساسی در روند آموزش و فرهنگ زنان در جوامع مختلف است که در ادامه وضعیت فرهنگی و آموزشی زنان در راستای تحقق توسعه

طرفداران محیط زیست، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید به نقش و اهمیت زنان در حفاظت از محیط زیست توجه داشته باشند. در غیر این صورت یکی از هم‌پیمانان خود را در حمایت از محیط زیست از دست خواهند داد. زنان در حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به طور اخص و در تحقق هدف‌های توسعه پایدار به طور اعم نقش محوری دارند.

آموزش زنان یک ضرورت اساسی جهت تحقق توسعه پایدار

آموزش و پرورش یک حق اساسی و یکی از عناصر ضروری رشد اجتماعی و اقتصادی است. اطمینان از دسترسی کامل و مساوی زنان به آموزش و پرورش باید به عنوان ساختار اصلی و اساسی دستیابی زنان به قدرت و وسیله اصلی آنها برای رسیدن به هدف برابری جنسیتی، پیشرفت و صلح شناخته شود.

با وجود پیشرفت‌های فراوان هنوز در مقایسه با مردان فاصله زیادی میان نحوه و میزان دستیابی زنان به آموزش و پرورش وجود دارد. کاهش درصد بالای بی‌سوادی در میان زنان و دختران یک نیاز فوری جهانی است. براساس آمار منتشره از سوی مؤسسه آمار یونسکو، اکنون تخمین زده می‌شود که دو سوم از ۸۷۵ میلیون نفر بزرگسال بی‌سوادی جهان را زنان تشکیل می‌دهند. در آسیای جنوبی از هر ۵ زن تقریباً ۳ زن بی‌سوادی است و برآورد می‌شود که نیمی از زنان قاره آفریقا و کشورهای عربی هنوز بی‌سوادی هستند.

اختلاف جنسیتی در تعداد بی‌سوادی بزرگسال جوان کمتر است. اکنون می‌توان گفت که تعداد بی‌سوادی میان دختران و پسران گروه سنی بین ۱۵ تا ۲۴ سال در بسیاری از بخش‌های جهان، امریکای لاتین نواحی دریای کارائیب و آسیای شرقی و اقیانوسیه بسیار کم است و یا اصلاً تفاوتی وجود ندارد. در چهارمین کنفرانس زنان که در سال ۱۹۹۵ در شهر پکن برگزار گردید، مشخص شد که نیاز به دستیابی کامل و مساوی زنان به آموزش و پرورش یکی از دوازده محدوده‌ای است که لازم است دولت‌ها و سازمان‌های جهانی فوراً برای رفع آن اقداماتی انجام دهند.

در طول چهل و یکمین نشست سال ۱۹۹۷، کمیسیون‌های سازمان ملل در مورد زنان توصیه نمودند که برای دستیابی سریعتر و بهتر زنان به آموزش و پرورش، اقدامات اساسی در تمام برنامه‌های آموزشی صورت پذیرد. در نتیجه‌گیری نهایی، کمیسیون به ارتباط قطعی آموزش و پرورش و بازارکار تأکید کرده و درخواست نمود که روی گزارش‌های کاری، درآمد ماهانه و فرصت‌های آتی شغلی تحقیقات بیشتری انجام پذیرد.

گزارش مؤسسه آمار یونسکو در این زمینه حاکی است: در حال حاضر دو سوم از ۸۷۵ میلیون نفر بی‌سوادی بزرگسال جهان را زنان تشکیل می‌دهند. براساس برآوردها هنوز نیمی از کل زنان در آفریقا و منطقه اعراب بی‌سوادی هستند. در ارتباط با میزان بی‌سوادی در میان جوانان، نابرابری جنسیت کمتر مشاهده می‌شود. بطوری که در حال حاضر، در بسیاری از مناطق جهان، از جمله اروپا، امریکای شمالی، امریکای لاتین، منطقه کارائیب، آسیای شرقی و اقیانوسیه، این اختلاف جنسیت در میزان بی‌سوادی بین ۱۵ تا ۲۴ سال، کمتر بوده و یا اصلاً مشاهده نمی‌شود. در برنامه عمل

نسل‌های آتی دارد گرفته شود.

۳- عدالت اجتماعی؛ کلیه مردم دارای حق برخورداری از محیطی هستند که بتوانند در آن محیط شکوفا شوند.

۴- حفاظت محیطی؛ محافظت از منابع و حمایت از حیات جانوری و گیاهی یک ضرورت قطعی است.

۵- کیفیت زندگی؛ تعریف گسترده‌تری از رفاه بشری به نحوی که از محدوده رفاه اقتصادی فراتر رود، باید ارائه شود.

۶- مشارکت؛ لزوم ساماندهی مجدد نهادها، به نحوی که از طریق آنان امکان شنیده شدن و به کارگیری کلیه صداها در فرآیند تصمیم‌گیری فراهم آید.

و به عبارت دیگر می‌توان گفت: توسعه پایدار در حقیقت دستیابی به یک فرآیند مساوی از نظر اقتصادی، عدالت و مشارکت اجتماعی است که به کمک تکنولوژی از کارایی بالاتری بهره‌مند می‌گردد.

براساس گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ توسعه انسانی فرآیندی است که دامنه حق انتخاب از سوی مردم را گسترده‌تر می‌سازد. در واقع این انتخابها یا گزینه‌ها پایانی ندارد و می‌تواند در طول زمان دستخوش تغییر و تحول شود. گزارش مذکور، توسعه انسانی را دارای دو جنبه می‌داند: یکی شکل‌گیری و توسعه توانمندی‌های انسانی نظیر افزایش سطح سلامت، دانش و مهارت و دیگری بکارگیری این توانمندی‌های اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش یا فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. این گزارش می‌افزاید: اگر معیارهای توسعه انسانی نتواند تعادل لازم بین این دو جنبه را برقرار سازد، ممکن است انسان سخت دچار احساس ناکامی گردد.

مفهوم توسعه انسانی به مراتب گسترده‌تر از مفاهیم قراردادی توسعه اقتصادی است، زیرا الگوهای رشد اقتصادی عموماً با گسترش GNP اندازه‌گیری می‌شود تا بهبود کیفیت و سطح زندگی انسان. کشور ما ایران از نظر توسعه انسانی در گروه متوسط قرار گرفته و هنگامی که نیمی از جمعیت نیروی انسانی بدلیل فشارهای اجتماعی، موانع سخت و تعصبات فردی و... نتوانند فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی داشته باشند، عملاً برنامه ریزی برای توسعه پایدار بیهوده باقی می‌ماند.

جایگاه زنان در توسعه پایدار انسانی

زنان در سراسر جهان نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را در اداره امور خانواده، جامعه و سرزمینشان دارند و برای تسریع روند تغییر و تحقق هدف‌های توسعه پایدار مسئولیت بسیار جدی و مهمی را می‌توانند بر عهده گیرند.

زنان نخست باید به تأثیر و اهمیتی که دارند آشنا شوند و سپس بکوشند مدیریت ایجاد تغییر را بر عهده گیرند. زنان باید مدیریت مصرف جوامع را عملاً عهده دار شوند، مصرف را تغییر داده و این مهم را از خودشان آغاز کنند. در اینجا تغییر درون‌زا مورد نیاز است، برای مقابله با بیماری مصرف زدگی و زیاده روی در مصرف منابع محدود، لازم است که علاوه بر روش‌های مشارکتی و درون‌زا از روش‌های برون‌زا نیز کمک گرفته شود.

مناطق روستایی یا مناطق فقیر بیشتر دیده می‌شود. ازدواج و بارداری زودهنگام، نیاز خانواده به کمک دختران در امر معیشت خانواده و آموختن مهارت‌های شغلی از جمله دلایلی است که سبب ترک تحصیل دختران می‌شود. به دنبال تلاش کشورهای مختلف برای دستیابی دختران به آموزش ابتدایی و راهنمایی، اقدامات متعددی انجام یافته است، از جمله: در کامرون، برنامه ابتکاری آموزش دختران افریقایی که به تأیید یونسف نیز رسیده توانسته است که در بین سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ تعداد دخترانی را که در مؤسسات آموزشی ثبت نام نموده‌اند ۸٪ افزایش دهد. در طول این دوره زمانی درصد دخترانی که ترک تحصیل می‌کنند از ۹٪ به ۶٪ کاهش یافته است.

اوگاندا خط مشی آموزش ابتدایی فراگیری را به وجود آورده است به این روش که هزینه تحصیل ۴ فرزند هر خانواده و فرزندان خانواده محروم از سرپرست را تقبل می‌کند مشروط بر اینکه ۲ نفر از دانش‌آموزان، فرزندان دختر خانواده باشند. الجزایر و ایران مدارس شبانه روزی رایگان برای دختران روستایی و چادر نشین تأسیس کرده و تلاش نموده‌اند که دختران را به این مدارس جذب کنند. چین و یمن تغییراتی در برنامه آموزشی و برنامه کلاسی خود به وجود آورده‌اند تا بتوانند نیازهای دانش‌آموزان به خصوص دانش‌آموزان دختر را برآورده کنند. ترکیه طول دوره تحصیلات اجباری را از ۵ سال به ۸ سال افزایش داده است. بنین نیز از جمله کشورهایی است که سفرهای آموزشی برای تفهیم اهمیت آموزش دوره راهنمایی را آغاز کرده است. آرژانتین، غنا و اندونزی اقداماتی قانونی برای دسترسی مساوی دختران به آموزش رایگان و اجباری تا سن ده سال انجام داده‌اند.

برای کاهش درصد ترک تحصیل دختران که بیشتر در مرحله آموزش راهنمایی اتفاق می‌افتد کشور مکزیک در برنامه آموزشی خود تغییراتی داده و در برنامه جدید خود آموزش ریزی خانواده و آگاهی از مفهوم و مضرات بارداری زودرس را نیز گنجانده است. در بعضی از مناطق کنیا، برای آموزش مادران تنها انجمن مدارس سیار به وجود آمده است. (سایت اینترنتی سازمان ملل)

وضعیت آموزش عمومی زنان در ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)

هر چند از نظر قوانین، زن ایرانی دارای آزادی مطلق در برخورداری از فرصت‌های آموزشی بوده است، لیکن در نظام قبل از انقلاب اسلامی، برخی موانع از جمله اعتقادات والدین مانعی برای تحقق آزادی وی در برخورداری از امکانات آموزشی به شمار می‌رفت به همین دلیل نسبت بی‌سوادی زنان بالاترین میزان را یافته بود. در سال ۱۳۳۵ نسبت باسوادان در کل جمعیت ۱۵/۴ درصد بود که برحسب جنس ۸ درصد مربوطه به زنان در مقابل ۲۲/۴ درصد مردان تقسیم می‌شود. سال ۱۳۴۵ نسبت باسوادان در کل جمعیت کشور به دو برابر افزایش یافت و به حدود ۲۹/۴ درصد رسیده است و این امر در حالی بود که همچنان زنان بیشترین گروه بی‌سوادی را تشکیل می‌دادند و نسبت زنان باسواد حدود نصف مردان باسواد بود. (به ترتیب ۱۷/۹ درصد و ۴۰/۱ درصد) آمارگیری نمونه در سال ۱۳۵۲ باز هم تداوم

چهارمین کنفرانس جهانی زن که سال ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد، ضرورت تضمین دسترسی کامل و برابر زنان به تحصیل و آموزش به عنوان یکی از ۱۲ موضوعات نگران کننده که اقدام فوری دولتها و جامعه بین‌المللی را طلب می‌کند تبیین شده است. کمیسیون سازمان ملل ویژه موقعیت زنان در چهل و یکمین همایش خود در سال ۱۹۹۷، توصیه کرد اقدامات بیشتری در راستای بهبود دسترسی زنان به تحصیل از جمله مورد توجه قرار دادن چشم انداز جنسیتی در تمامی سیاستها و برنامه‌ها در بخش تحصیل، انجام شود. این کمیسیون در نتیجه گیریهای مورد توافق در همایش با تأکید بر به هم پیوستگی تحصیل، آموزش و بازارکار، خواستار تحقیق و پژوهش بیشتر در زمینه‌های روندهای اشتغال، درآمد و فرصتهای آتی برای اشتغال شد.

در بسیاری از مناطق جهان، میزان بی‌سوادی در میان زنان بزرگسال به دلیل عدم دسترسی به آموزش در دوران کودکی بسیار بالاست. برنامه ریزیهای مبارزه با بی‌سوادی زنان باید توجه خود را معطوف دسترسی دختران به آموزش اساسی و خاتمه این دوره آموزشی نماید. علاوه بر این، دستیابی زنان به مراکز بزرگ آموزشی از طریق به کارگیری ابزار و وسایل مدرن قابل دسترسی، یک نیاز مبرم می‌باشد. از زمان کنفرانس پکن در بسیاری از کشورها، کوششهای زیادی برای مبارزه با بی‌سوادی زنان انجام گرفته است.

از طریق برنامه ابتکاری G-E که شامل کشورهای بنگلادش، برزیل، چین، مصر، هندوستان، اندونزی، مکزیک، نیجریه و پاکستان، یعنی محل زندگی نیمی از جمعیت دنیا و ۷۰ درصد از بی‌سوادان دنیا می‌شود، تلاشهای ویژه‌ای برای دستیابی به تمام افراد به آموزش و پرورش و با در نظر گرفتن اولویت‌هایی برای آموزش دختران و زنان انجام گرفته است.

نپال نیز از جمله کشورهایی است که برای دختران خیاره دار فقیر و دختران روستایی کمک هزینه تحصیلی در نظر گرفته است. به زنان و دختران روستایی موفق در امر آموزش این امتیاز داده می‌شود که در دهکده خود به عنوان آموزگار مشغول به کار شوند.

در بوتسوانا تعداد زنان شرکت کننده در کلاسهای سوادآموزی، پروژه‌های آموزشی و آموزش از راه دور، به دلیل کوششهای ملی بیشتر از مردان است. در بوریکنافاسو، مدارس ماهواره‌ای، مراکز غیررسمی آموزشی و مراکز پرورشی به نحوی سهمیه بندی شده که ۵۰ درصد از دانش‌آموزان را دختران تشکیل بدهند. در نتیجه برنامه ملی، بوتان گزارش می‌دهد که ۷۰ درصد استفاده کنندگان از برنامه‌های غیررسمی آموزشی، زنان می‌باشند.

دستیابی جهانی به آموزش اساسی

شرکت در کلاسهای ابتدایی و راهنمایی در تمام مناطق دنیا چه برای دختران و چه برای پسران افزایش یافته است. اگرچه هنوز در بعضی از کشورها بین تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوتی وجود دارد. نگرشهای سنتی هنوز در بسیاری از فرهنگها دیده می‌شود که نتیجه آن فقدان کافی والدین برای فرستادن دختران خود به مدرسه است.

در مرحله راهنمایی این تفاوت جنسیتی بیشتر می‌شود. تعداد دخترانی که در این مقطع مدرسه را ترک می‌کنند بیشتر از پسران است که این وضعیت در

زمینه آموزش و پرورش تضمین کرده است. در این خصوص اصل سی ام قانون اساسی می‌گوید "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد." بدین ترتیب اصل مذکور آموزش و پرورش را همگانی و رایگان می‌داند و همه افراد ملت می‌توانند بدون مرزبندی جنسیتی از آن استفاده نمایند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به موجب اصل ۳۰ قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات داخلی اصل تساوی جنسیتی باید در زمینه آموزشی رعایت گردد. بر این اساس در ایران ساختار رسمی و محتوای آموزش برای دختران و پسران یکسان است و تفاوتی میان برنامه رسمی آموزشی برای آنان وجود ندارد.

تغییر روند دسترسی زنان به تحصیلات بالاتر

در طول ۲۰ سال گذشته، پیشرفت‌های عمده‌ای در امر دستیابی به آموزش در سطوح بالاتر انجام پذیرفته است. نکته جالب توجه این است که در آن دسته از کشورهایی که آموزش دبیرستانی یا سومین دوره تحصیلی در آنها افزایش یافته، تعداد زنان و دخترانی که برای تحصیل در مقطع دبیرستان ثبت نام کرده‌اند، بیشتر از مردان متقاضی است.

در نامیبیا، زنان ۵۰ درصد بیشتر از مردان در دوره‌های آموزشی بالاتر شرکت می‌کنند. در کانادا، زلاندنو و آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، امریکای لاتین و کشورهای دریای کارائیب، میزان شرکت زنان در کلاسهای آموزشی دبیرستان، بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.

لیبی گزارش داد که اکنون تعداد دخترانی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر می‌کنند از مردان بیشتر است. در نروژ اکنون زنان ۳۴ درصد از دانش پژوهان دوره دکترا را تشکیل می‌دهند. الجزایر گزارش می‌دهد که ۸۶/۶ درصد از دانش آموزان زن در صدد دستیابی به آموزش در سطوح بالاتر هستند. در کشور ایران نیز طی سالهای اخیر شاهد پیشرفت روزافزون دختران و زنان در عرصه آموختن مهارت‌های اجتماعی و سواد هستیم. بطوری که هم اکنون بیش از نیمی از جمعیت دانشگاه‌های ایران را زنان و دختران تشکیل می‌دهند و این روند همچنان در حال افزایش است.

آموزش‌های شغلی، علم و فناوری

در سراسر دنیا، محدودیت‌های جنسیتی در مشاغل حرفه‌ای و فنی شایع است. حتی آن دسته از زنانی که توانسته‌اند در رشته‌های فنی تحصیل کنند، داوطلبانه به شغل‌های سنتی مناسب زنان روی می‌آورند. و همزمان تعداد زنانی که در برنامه‌های آموزش فنی شرکت می‌کنند محدود است. در بسیاری از کشورها برنامه‌های ابتکاری خاصی برای راهنمایی و تشویق دختران به تحصیل در مشاغل غیر سنتی به وجود آمده است.

در استرالیا، دوره‌های آموزشی اینترنت و کامپیوتر به جهت افزایش تعداد دختران شرکت کننده پیشنهاد شده است.

زامبیا فعالیت‌های مثبتی در رشته‌های فنی آغاز کرده تا از طریق این

همین نسبتها را در سطحی دیگر نشان می‌داد. در آن سال نسبت باسوادان در کل جمعیت ۳۶/۹ درصد بوده است. در حالی که این آمار، ۲۵/۵ درصد متعلق به زنان و ۴۷/۷ درصد مربوط به مردان می‌شد. در سال ۱۳۵۵، تنها ۲۶ درصد از زنان کشور باسواد بوده‌اند، در حالی که بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران این نسبت در سال ۶۵ به ۵۲ درصد و در سال ۷۵ به حدود ۷۴ درصد رسیده است. یعنی نسبت باسوادی زنان پس از انقلاب، حدود ۳ برابر نسبت به قبل از انقلاب افزایش یافته است.

وضعیت آموزش شغلی و حرفه‌ای زنان در ایران

همانگونه که نسبت بی‌سوادی در میان زنان بیشتر از مردان است عدم مهارت شغلی و حرفه‌ای در زنان بسیار چشمگیر است بطوری که اکثر زنان شاغل آموزش حرفه‌ای ندیده‌اند. به ویژه در مناطق روستایی که زنان نیروی ضروری برای تهیه مواد غذایی بشمار می‌روند، بیشتر آنان از آموزش بی‌بهره هستند. هنگامی که کشاورزی مکانیزه می‌شود به مردان آموزشهای حرفه‌ای داده خواهد شد تا از فنون جدید آگاه شوند ولی زنان علیرغم نقش مهم خود کنار گذاشته می‌شوند.

در مناطق شهری این امر کمتر اتفاق می‌افتد بطور کلی فرصتهای برخورداری از آموزش حرفه‌ای در سطوح بالاتر برای زنان کمتر است. اگر دختران وارد مدارس حرفه‌ای می‌شوند صرفاً مشاغل زنانه را فراموش می‌کنند که البته تعداد چنین دخترانی که از آموزش حرفه‌ای برخوردار شده‌اند، در مقایسه با انبوه کارگران زن بسیار ناچیز است. آمار زیر که مربوط به آموزش فنی و حرفه‌ای زنان است ادعای فوق را اثبات می‌کند. در سال تحصیلی ۵۶-۵۵ از کل ۲۰۱ هزار دانش آموز ۳۹ هزار دختر بوده‌اند (۱۹/۵ درصد) در سال تحصیلی ۶۶-۶۵ از کل ۲۰۷ هزار دانش آموز ۴۶ هزار دختر بوده‌اند (۲۲/۶ درصد) در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ از کل ۲۹۲ هزار دانش آموز ۵۷ هزار نفر دختر بوده‌اند بالاخره اینکه در سال ۱۳۷۵ از کل آموزش دیدگان مراکز ثابت آموزشی که تعداد آنها ۱۴۳۲۵۱ نفر بوده است، فقط ۲۱۰۵۵ نفر (معادل ۱۴/۷ درصد) دختر بوده‌اند.

رسیدن به اشتغال کامل توسط زنان از جمله اصول پذیرفته شده قانون اساسی است. همانطور که قسمت اخیر اصل بیست و هشتم قانون اساسی مقرر کرده، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد نماید. بنابراین برنامه‌های مربوط به آموزش شغلی و حرفه‌ای باید متناسب با نیازهای زنان تنظیم گردد و ارائه شود. این سیاست باید مبنی بر ایجاد افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش تخصص‌های ضروری برای زنان به عنوان نیمی از افراد تشکیل دهنده جامعه باشد. مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای اعم از دولتی و خصوصی باید به طور گسترده و فراگیر در تمامی نقاط کشور تأسیس شوند تا زنان آماده و جویای کار را جذب نمایند.

قوانین ایران در جهت آموزش‌های مربوط به زنان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق مساوی زنان با مردان را در

در تاریخ ۱۳۴۶/۱۲/۷ مقاله مذکور را تصویب و به آن ملحق شده است.

برداشت نهایی از نقش زنان در مسیر توسعه پایدار

زنان در سراسر جهان نقش بسیار تعیین کننده‌ای را در اداره امور خانواده و جامعه دارند و برای تسریع روند تغییر و تحقق هدفهای توسعه پایدار مسئولیت بسیار جدی و مهمی را می‌توانند برعهده گیرند.

زنان نخست باید به تأثیر و اهمیتی که دارند آشنا شوند و سپس بگویند مدیریت ایجاد تغییر را برعهده گیرند. زنان باید مدیریت مصرف جوامع را عملاً عهده‌دار شوند، روند مصرف را تغییر داده و این مهم را از خودشان آغاز کنند. در اینجا تغییر درون‌زا مورد نیاز است، برای مقابله با بیماری مصرف‌زدگی و زیاده‌روی در مصرف منابع محدود لازم است که علاوه بر روشهای مشارکتی و درون‌زا از روشهای اجباری و برون‌زا نیز کمک گرفته شود. طرفداران محیط زیست، دولتها و سازمانهای بین‌المللی باید به نقش و اهمیت زنان در حفاظت از محیط زیست توجه داشته باشند. در غیر اینصورت یکی از هم‌پیمانان خود را در حمایت از محیط زیست از دست خواهند داد. زنان در حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به طور اخص و در تحقق هدفهای توسعه پایدار به طور اعم نقش محوری دارند.

سازمانهای غیردولتی مخصوصاً سازمانهای غیردولتی زنان می‌توانند نقش مهمی را در تعمیم تفکر پایداری توسعه به خصوص در توسعه پایدار روستایی داشته باشند، این سازمانها می‌توانند بر فرآیند تصمیم‌گیری مسئولان و دست‌اندرکاران تأثیر گذارده و در تنظیم هدفها و شکل بخشی به سیاستهای مرتبط با توسعه پایدار، اعمال نظر کرده و مشارکت مؤثر داشته باشند. یکی از قلمروهایی که سازمانهای غیردولتی زنان باید به آن بپردازند داشتن صدایی در تصمیم‌گیری‌های سازمانهای بین‌المللی مخصوصاً سازمان تجارت جهانی است.

در قاموس فرهنگ سازمان تجارت جهانی واژه محیط غایب است، این سازمان عملاً می‌تواند در جهت دهی به سیاستهای توسعه پایدار نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. سازمانهای غیردولتی زنان می‌توانند با ارتباطاتی که در سطح بین‌المللی برقرار می‌کنند در این فرآیند گامهای آغازین را بردارند و توجه سازمانهای جهانی را به این امر مهم جلب نمایند که فقر با تخریب محیط زیست ارتباط تنگاتنگی دارد. زنان جهان در کل، دچار فقر هستند و برای تبیین این وضع دو واژه فقر عام و فقر خاص پیشنهاد می‌شود. فقر زنان نه تنها سبب می‌شود که تلاش آنها برای گذران زندگی روزمره افزایش یابد بلکه سبب افت کیفیت زندگی آنها شده و سلامت جسمی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد و فرصتها و حق انتخابهای آنها محدود می‌شود. در این میان سازمانهای مربوط به زنان، اعم از دولتی و غیردولتی وظایف سنگینی را برعهده دارند و مکلفند در فرآیند گفت و شنودهای محلی، منطقه‌ای و جهانی، مجدانه و فعالانه شرکت کنند. فقر مسئولیت مشترک همه کشورها است. آنچه امروز انجام می‌دهیم زمینه ساز فردای ماست. وقت آن رسیده که حوزه دیدمان را چنان گسترش دهیم که از من به ما، از حال به آینده و از مکان محدود به کل جهان هستی برسیم و بقای بشریت را مدنظر بگیریم.

برنامه‌ها فعالیت‌های دانش پژوهان دختر افزایش یابد.

در هلند برنامه‌ای تحت عنوان زنان و برنامه عملیاتی فن آوری (۱۹۹۸-۱۹۹۵) طراحی شده تا تعداد بیشتری از زنان و دختران رشته‌های مهندسی و فنی را انتخاب کنند. کوبا برنامه‌های آموزشی وسیعی را در دانشگاه‌ها طرح ریزی نموده تا زنان ضمن آموزش، به آموختن مهارت‌های شغلی نیز بپردازند.

رفع تبعیض نژادی در سیستمهای آموزشی

اکنون میزان آگاهی و شناخت دولتها از تبعیضات جنسی موجود در سامانه (سیستم) آموزشی که هم در برنامه‌ها و کتب آموزشی و هم در نحوه نگرش مدرسان دیده شده، افزایش یافته است. در تلاشهایی که برای رفع این تبعیضات انجام گرفته، کشورهای مختلف برنامه‌های متفاوتی را طرح ریزی کرده‌اند. در کنیا کارگاه‌هایی که برای کاهش حساسیتهای جنسیتی تشکیل شد سبب بروز پیشرفت‌هایی در آگاهیهای جنسیتی آموزگاران و مدارس گردید.

در لوکزامبورگ کمیسیونهای تحقیقاتی تشکیل شد تا تعصبات جنسیتی را در کل سامانه (سیستم) آموزشی کشور با در نظر گرفتن بازبهای کودکان دوره آمادگی به آزمایش بگذارند.

در کلمبیا کمیسیونها و نشستهای آموزشی خاصی به جهت شناسایی موضوعات فاقد مسائل جنسی و جنسیتی برای گروههای هدف مثل مدرسین، ویراستاران و مشاغل ارتباطی به وجود آمده است.

مبارزه با موانع آموزشی جهان

۱) موازنه بین‌المللی: مقاله نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۹۷) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده و برای امضای تصویب و الحاق کشورها مفتوح گردیده است. در خصوص مبارزه با عوامل تبعیض آمیز آموزشی و فرهنگی تدابیری را پیش بینی نموده است. ماده ۱۰ این مقاله نامه مقرر می‌دارد دول عضو به منظور تضمین حقوق مساوی زنان با مردان در زمینه آموزش و پرورش هرگونه اقدامی برای رفع تبعیض از زنان به عمل خواهد آورد. به ویژه براساس مساوات بین زنان و مردان موارد زیر را تضمین خواهند کرد: الف) شرایط یکسان در زمینه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و دسترسی به آموزش و دریافت دانشنامه در انواع مختلف ب) داشتن برنامه درسی یکسان، امتحانات و معلمان دارای صلاحیتهای هم‌تراز ج) از بین بردن هرگونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش مردان و زنان در سطوح مختلف د) ایجاد فرصتهای یکسان در زمینه بهره مندی از بورسها و سایر مزایای تحصیلی و کاهش درصد دانش آموزان دختر که ترک تحصیل می‌کنند.

۲) همچنین در سطح بین‌المللی در خصوص منع تبعیض آموزشی، کنفرانس عمومی سازمان یونسکو در ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ مقاله نامه و توصیه نامه‌ای را در ارتباط با «تبعیض در امر تعلیمات» تصویب کرده است. این اسناد مبارزه با تبعیض و لزوم رفع آن را در زمینه آموزش مورد تأیید قرار داده‌اند. دولت ایران

رهنمودهائی جهت تحقق توسعه پایدار

گذر از جامعه مردسالار و حضور زنان در عرصه‌های مختلف یکی از راههای دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد و برای تعمیم توسعه صلح و تأمین توسعه پایدار باید:

- برای دستیابی به دو هدف فوق یعنی صلح و توسعه پایدار که لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند باید ابتدا از خانواده شروع کرد و سپس؛

- آگاهی و آموزش دادن به زنان در جوامع عقب افتاده، روستاها و غیره بخصوص به مادران جوان و ناآگاه.

- تأمین فرصتهای شغلی برابر (لااقل در مشاغلی که کاملاً مردانه نباشند) برای زنان، بخصوص در رده‌های مسئولین اجتماعی و تصمیم‌گیری به منظور رواج روحیه آزادی و دموکراسی در جوامع و دوری از خشونت و جنگ.

- از موارد مهمی که در توسعه پایدار و نیز گریز از جنگ مؤثر می‌باشد، مسئله صرفه جویی یا شناخت خدمت صرف است. مسلماً آموزش خدمت صرف خواه از طریق ایدئولوژی‌های مذهبی یا سیاسی می‌تواند توسط زنان در خانواده متبلور و ملکه ذهن کودکان و نوجوانان گردد.

- از آنجاکه زنان گرایش به ایجاد فضای مسالمت‌آمیز بین جنسها، نژادها و ملتها دارند، امکان مشارکت آنها در اداره جوامع، به ایجاد این فضا در جهان کمک خواهد کرد.

- تلاش و پیگیری مستمر زنان آگاه، محقق و اندیشمند برای آگاهی دادن و هله اول به کودکان و نوجوانان و سپس به همه مردم و از جمله زنان برای درک نیاز به صلح و توسعه پایدار و نیز اهمیت نقش زنان به عنوان مادر، معلم و در مسئولیتهای دیگر برای رسیدن به این دو موهبت بزرگ و جهانی.

- برقراری عدالت اجتماعی بین اقشار مختلف جامعه
- توجه به سازمانهای غیردولتی زنان و کمک به موفقیت آنان در امور فرهنگی، زیست محیطی و...

- تلاش مردان مصلح و دانا برای فراهم ساختن زمینه‌های همکاری زنان در جوامع و کمک گرفتن از آنها در به ثمر رساندن کوشش آنها در راه صلح و توسعه پایدار. انقلاب ارتباطات زمینه‌ای برای تکوین توسعه پایدار است و امروزه نمی‌توان بدون توجه به ارتباطات فکری و علمی و تکنولوژیکی، زنان را از نظر فکری، محصور کرد و انتظار پیشرفت داشت زیرا در آن صورت فرهنگ متزلزل و ناسالم به دلیل واکنشهای روانشناسی و جامعه‌شناسی پدیدار می‌شود که سبب کاهش کیفیت زندگی می‌گردد. توسعه پایدار با مفهوم سنتی توسعه که اصولاً بر محور رشد اقتصادی دور می‌زند تفاوتی اساسی دارد. طرح ریزی توسعه باید بر تعریف واقع‌گرایانه نیازهای ملی استوار باشد.

- تربیت نیروی انسانی متخصص زن، در ارتباط با علم و دانش و تکنیک روز.
- استفاده از مدیران و برنامه‌ریزان موفق زن، برای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور.

- برنامه‌ریزی عمیق و کلان به امر تعلیم و تربیت، توجه به علت افت تحصیلی دانش‌آموزان دختر، کاربردی کردن دروس آموزشی براساس نیاز کشور.
- برقراری ارتباطات داخلی بین زنان برای افزایش آگاهی.
- اشاعه فرهنگ زیست محیطی و آموزش گسترده و مستمر.

منابع و مآخذ

- بهزادپور، سیمین دخت، زن در توسعه مفاهیم اسلامی، انتشارات خرداد، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- حکیمی، محمد، دفاع از حقوق زن، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- فردریک، انگلس، ترجمه اصغر مهدی زادگان، زنان در جامعه، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- شاخصهای اجتماعی - اقتصادی، زنان در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر امور زنان کشور در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۶، صص ۴ و ۱۶.
- کمیته ملی چهارمین کنفرانس جهانی زن - گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۴، ص ۳۲.
- علویون، سیدرضا، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار، چاپ اول، نشر روشنگران، ۱۳۸۱.
- آبرت، پاملوالس، ترجمه منیژه نجم عراقی، جامعه‌شناسی زنان، نشر نی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱.
- کار، مهرانگیز، زنان در بازار کار ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۴۳.
- زندگی آبادی، علی، نسترن، مهین، اصولی‌ترین راهکار دستیابی به توسعه پایدار انسانی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۸-۱۶۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
- گودرزی مقدم، مریم، زنان و موانع اشتغال، روزنامه یاس نو، ۱۰ دی ماه ۱۳۸۲، شماره ۲۴۲.
- قره داغی، فرخ، زنان در جستجوی فرصتهای ازدست رفته، (به بهانه روز جهانی زنان در هشتم مارس)، روزنامه همشهری، ۱۷ اسفندماه ۱۳۸۰.
- غفاری، مریم، زنان در فرایند توسعه، روزنامه رسمی همشهری، ۲۰ اسفند ماه، شماره ۲۳۶، ۱۳۷۹.
- سایت اینترنتی سازمان ملل، ترجمه معصومه پیروزبخت، زنان فقیرترین افراد جامعه، روزنامه همشهری، شماره ۲۲۳۸، یکشنبه ۱۷ مهر ۱۳۷۹.
- سایت اینترنتی سازمان ملل (بخش زنان).